

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پپه اسکوبار - [Pepe Escobar](#)

برگردان از: حمید محوی و یادداشت پورتال

۱۳ جنوری ۲۰۲۱

ژئوپلیتیک سلیمانی، یک سال بعد

با وجود این که چه گوارای * آسیای جنوب غربی از بین رفته است، ولی محور تهران- بغداد- حزب الله ادامه دارد و گسترش می یابد.

مرکز پژوهش های جهانی سازی، ۷ جنوری ۲۰۲۱

4 janvier 2021 [Asia Times](#)



یک سال پیش، «سال های دیوانه با یک قتل شروع شد»^۱.

قتل سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ابو مهدی المهندس معاون فرمانده شبه نظامیان بسیج مردمی عراق (حشد الشعبی)، با شلیک راکت های هلفایر مجهز به هدایت لیزری از روی پهپاد ام کیو ۹ ربپیر در واقع یک حرکت جنگی بود.

^۱ [Années Folles ont commencé avec un meurtre](#)

حمله ضربتی پهبادهای به فرودگاه بغداد مستقیماً نه فقط به فرمان رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ انجام گرفت که یک جنبه بی آن که تحریکی صورت گرفته باشد خارج از قانون عمل کرده بود بلکه به شکل تحریک خشونت آمیزی طراحی شده بود تا واکنش ایران را در پی داشته باشد که متعاقباً با اتکاء به اصل «دفاع از خود» با آن مقابله کند، و سپس ایالات متحده بر آن می بود تا این طرح را به مثابه «بازدارندگی» معرفی کند. شما می توانید این سناریو را شکلی از اشکال انحرافی ی پرچم دروغین معکوس شده بنامید.

سازمان سیا^۲ این عملیات را به مثابه «قتل هدف گیری شده» معرفی کرد، یعنی عملیاتی پیشگیری کننده برای در هم کوبیدن به اصطلاح طرح سلیمانی برای حمله فوری علیه دیپلماتها و نظامیان امریکائی.

دروغ. زیرا هیچ مدرکی برای ادعای سازمان سیا وجود ندارد. و علاوه بر این، نخست وزیر عراق عادل عبدالمهدی در مقابل پارلمان عراق ماجرای واقعی را به این شکل توضیح داد که: سلیمانی با یک پرواز عادی بین دمشق و بغداد در مأموریت دیپلماتیک بود تا در مذاکرات پیچیده ای بین تهران و ریاض با میانجیگری نخست وزیر عراق به درخواست رئیس جمهور ترامپ، شرکت کند.

نتیجه می گیریم که ماشین امپراتوری در واقع با نقض تمام و کمال حقوق بین الملل یک فرستاده دیپلماتیک را به قتل رسانده است.

سه عنصر اصلی که قتل سلیمانی را تشویق کرده اند نو محافظه کاران امریکائی هستند که از تاریخ، فرهنگ و سیاست آسیای جنوب غربی هیچ اطلاعی ندارند، و سپس لابی های اسرائیلی و سعودی که قویاً فکر می کنند هر بار که ایران مورد حمله قرار گیرد از منافع آنان دفاع شده است. ترامپ قادر به دیدن وضعیت در کلیت و انشعابات فوق العاده آن نبود: فقط به دیکته های شلدون ادلسون^۳، و زمزمه هائی که جارید کوشنر عربی در گوشش می خواند و سفارشات دوست نزدیکش محمد بن سلمان (ام بی اس Mbs) عمل می کرد.

زره «اعتبار» امریکائی

پاسخ ایران به قتل سلیمانی به دقت در تناسب با وضعیت پیش آمده بود تا به «بازدارندگی» انتقامی امپراتوری نینجامد: به همین علت شلیک راکت های نقطه زن روی پایگاه هوائی عین الاسد که در کنترل امریکائی ها در عراق است با اطلاع قبلی به پنتاگون صورت گرفت.

همان گونه که می توانستیم انتظار داشته باشیم، در نخستین سالگرد قتل سلیمانی خطر جنگ امریکا و ایران دوباره به نقطه بحرانی رسید. در نتیجه بررسی آنچه را که فرمانده دفاع هوائی سپاه پاسداران در نیروی هوافضای سپاه پاسداران سرتیپ پاسدار امیر علی حاجی زاده در شبکه لبنانی المنار اعلام کرده است باید مورد توجه قرار دهیم: «امریکا و

² Mighty Wurlitzer impérial

³ Sheldon Adelson

مترجم: برگرفته از ویکیپدیا: سرمایه دار یهودی امریکایی و یکی از ثروتمندترین افراد زنده در جهان است. وی سهامدار عمده، رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت لاس وگاس سنندز، مالک بسیاری از هتلها، سالن های گردهمائی و کازینوها در سراسر جهان^۱ از جمله در شهرهای لاس وگاس در ایالات متحده امریکا، ماکائو در جمهوری خلق چین و سنگاپور است. ادلسون همچنین صاحب امتیاز روزنامه اسرائیلی، اسرائیل هیوم است. وی یهودی تبار است و تاکنون ده ها میلیون دلار به سازمان های عمدتاً یهودی در سراسر جهان، کمک مالی اعطا کرده است. در دوران ریاست جمهوری ترامپ برخی ترامپ را به مانند یک عروسک خیمه شب بازی در دست ادلسون دانستند و خروج از برجام و انتقال پایتخت اسرائیل از تل بیب به بیت المقدس (اورشلیم) نیز به خواست او انجام شده است.

رژیم صهیونیستی [اسرائیل] برای هیچ کجا امنیت نیلوردند و در اینجا هم اگر اتفاقی رخ دهد (در منطقه) و جنگی صورت بگیرد، برای ما پایگاه امریکا و کشور میزبانش تفاوتی ندارد»^۴.

یک سال پیش، حاجی زاده در توضیح حمله راکتی ایران گفته بود: «ما برای واکنش امریکائی ها آماده بودیم و تمام قدرت راکتی ما در وضعیت آماده باش بود. اگر واکنش نشان می دادند، به همه پایگاه هایشان از اردن تا عراق، و در خلیج فارس و حتی ناوگان جنگی شان را در اقیانوس هند هدف می گرفتیم».

یک سال پیش، شلیک راکت های نقطه زن روی عین الاسد معرف یک قدرت متوسط بود که طی تحریم ها و رویارویی با بحران اقتصادی و مالی تضعیف شده بود و در پاسخ به حمله، تجهیزات امپراتوری را که به پایگاه های امپراتوری تعلق داشت هدف گرفت. و این رویداد نخستین مورد در جهان است که از پایان جنگ دوم جهانی هرگز سابقه نداشته و به وقوع نپیوسته بود. این رویداد به روشنی در سراسر گستره وسیع جهان جنوب به مثابه نفوذ در زره فرادستی «اعتبار» امریکا که چندین دهه قدمت داشت تعبیر شد.

به این ترتیب، تهران بیدی نبود که با باد دو بی ۵۲ با قابلیت هسته ئی که اخیراً بر فراز خلیج فارس به پرواز درآمد بلرزد، و نه حتی با اعلام ورود یو اس اس جورجیا (تحت البحری هسته ئی) با قابلیت پرتاب راکت های هسته ئی در خلیج فارس توسط نیروی بحری ایالات متحده امریکا در هفته گذشته.

این صف آرائی در پاسخ به ادعای بی پایه و اساسی صورت گرفت که تهران را مسؤول پرتاب ۲۱ راکت علیه سفارت ایالات متحده امریکا در منطقه سبز بغداد معرفی کرده است.

راکت های (منفجر نشده) کالیبر ۱۰۷ میلیمتری با مارک انگلیسی و نه فارسی می توانست براحتی از انبار ذخیره بغداد توسط هر کسی خریداری شود و این موضوع را خود من مستقیماً در اواسط سالهای ۲۰۰۰ در عراق مشاهده کرده بودم.

این واقعه به هیچ وجه نمی تواند به عنوان بهانه جنگ، یا «دفاع از خود» در ادغام با «بازدارندگی» مطرح شود. توجیه سنتکام^۵ در واقع به مانتی پاپتون شباهت دارد: حمله «...تقریباً مطمئناً توسط یک گروه اوباش انجام گرفته که از سوی تهران پشتیبانی می شوند». یادآوری کنیم که «تقریباً مطمئناً» کدی است برای اعتراف به این امر که «ما هیچ اطلاعی از این که چه کسی این کار را انجام داده نداریم».

چگونه باید – واقعاً – علیه تروریسم جنگید

وزیر امور خارجه ایران جواد ظریف به ترمپ خبر داد که در حال افتادن به دام یک بهانه جنگی جعلی است، و بازگشت آتش افروزی اجتناب ناپذیر خواهد بود. این یک نمونه از دیپلماسی ایران است که کاملاً در راستای سپاه پاسداران حرکت می کند: با وجود این، کل ستراتیژی پسا سلیمانی مستقیماً به رویکردهای آیت الله خامنه ای بستگی دارد.

و همین امر است که حاجی زاده را به تعیین خط قرمز ایران درباره دفاع جمهوری اسلامی هدایت می کند: «ما درباره قدرت راکتی با هیچ کس مذاکره نمی کنیم»، با پیشگیری از هر گونه تلاش برای گنجاندن موضوع کاهش [بُرد]

⁴ [déclaré](#)

⁵ [justification de Centcom](#)

راکتها در بازگشت احتمالی واشنگتن به برجام. حاجی زاده در عین حال اعلام کرده است که تهران بُرد راکتهایش را به ۲۰۰۰ کیلومتر محدود کرده است.^۶

دوست من الایجا مگنیه^۷ که بی گمان گزارشگر جنگ در آسیای جنوب غربی در کوران چهار دهه اخیر است به دقت اهمیت سلیمانی را ترسیم کرده است.^۸

همه، و نه فقط در طول محور مقاومت – تهران، بغداد، دمشق، حزب الله – بلکه به همچنین در گستره جهان جنوب به خوبی می دانند چگونه سلیمانی فرماندهی مبارزه علیه دولت اسلامی/داعش در عراق از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ را به عهده داشت و چگونه در بازپس گیری تکریت در سال ۲۰۱۵ شرکت کرد.

زینب سلیمانی، دختر سردار چهره مرد بزرگ و احساساتی را ترسیم کرده که هم او الهام بخش آن بوده است.^۹ و دبیر اول حزب الله سید نصر الله در یک مصاحبه فوق العاده^{۱۰} درباره سلیمانی او را مردی با «فروتنی بزرگ» حتا با «افراد عادی و مردم ساده» معرفی کرد.

نصر الله داستانی را تعریف می کند که برای مشخص نمودن شیوه عمل سلیمانی در جنگ واقعی – و نه تخیلی – علیه تروریسم خیلی بارز و اساسی به نظر می رسد و سزاوار است که آن را به شکل کامل یادآور شویم^{۱۱}:

«در آن دوران، حاج قاسم از فرودگاه بغداد به فرودگاه دمشق رفته بود و از آنجا (مستقیماً) به بیروت و سپس به حومه جنوبی آمد. وقتی به خانه من رسید ساعت ۱۲ شب بود. چیزی را که به من گفت بخوبی یه یاد دارم: «در سحر، تو باید ۱۲۰ فرمانده عملیات (حزب الله) برای من تهیه کنی». به او گفتم: «ولی حاجی، الان نیمه شب است، چگونه می توانم ۱۲۰ فرمانده برای تو تهیه کنم؟» به من گفت که اگر بخواهیم (به شکل مؤثر) علیه داعش برای دفاع از مردم عراق، اماکن مقدس [مقبره ۵ امام از ۱۲ امام شیعه در عراق واقع شده است]، حوزه های علمی و هر چه در عراق است بجنگیم راه حل دیگری وجود ندارد. گزینش دیگری وجود نداشت. «به مبارز احتیاج ندارم. به فرمانده عملیاتی احتیاج دارم [برای نظارت واحد های بسیج مردمی عراق]». به همین علت، در سخنرانی ام [درباره قتل سلیمانی] گفتم که طی تقریباً ۲۲ سال از رابطه ما با حاج قاسم سلیمانی، از ما هرگز هیچ چیز درخواستی نکرده بود. او از ما هرگز چیزی نخواست و نه حتا برای ایران. البته فقط یک بار از ما درخواست کرد و این یک بار هم برای عراق بود، ۱۲۰ فرمانده عملیاتی. به این ترتیب او با من ماند و شروع کردیم برای تماس با برادرانمان (از بین حزب الله) نفر به نفر. ما توانستیم ۶۰ فرمانده عملیاتی را فراخوانیم که برخی از برادران در خط اول سوریه بودند که آنها را به فرودگاه دمشق فرستادیم (برای این که در آنجا منتظر سلیمانی باقی بمانند)، و دیگرانی که در لبنان بودن و ما آنها از خواب

^۶ مترجم: به نقل از تسنیم ۱۳ دی ۱۳۹۹: حاجی زاده به طور مشخص تر می گوید که: «فرمانده نیروی هوافضای سپاه درخصوص توان راکتی و برخی تلاش ها برای محدود کردن آن نیز گفت: این توان راکتی قابل مذاکره نیست و غلط می کند کسی بخواهد در این زمین مذاکره کند. اجازه مذاکره درباره توان راکتی به هیچ مسؤولی داده نمی شود و این خط قرمز است. قدرت و توان راکت ما را می توان در اظهار نظرهای دشمنانمان دید. هیچ کس ما را به محدودیت بُرد ۲ هزار کیلومتر مجبور نکرده است چون ما بر سر توان راکتی با کسی صحبت نمی کنیم، این تصمیم خودمان بوده است و این بُرد برای ما ابدی هم نیست.»

^۷ مترجم: الایجا مگنیه: الایجا مگنیه خبرنگار باسابقه جنگ و تحلیلگر سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا

^۸ [détaillé](#)

^۹ <https://www.youtube.com/watch?v=7Pz3fZNICEQ>

^{۱۰} [interview extraordinaire](#)

^{۱۱} [citée dans son intégralité](#)

بیدار کردیم و فوراً از خانه هایشان آوردیم، چون که حاجی گفته بود که می خواهد آنها را پس از نماز صبح با هواپیما به دمشق ببرد و در واقع، پس از نماز جمعی در بامداد، به سوی دمشق پرواز کردند، و حاج قاسم از دمشق با ۵۰ تا ۶۰ فرمانده حزب الله لبنانی به بغداد رفت و سپس با آنها راهی خطوط جبهه در عراق شد. او گفته بود که به مبارز احتیاج ندارد، زیرا شکر خدا، در عراق داوطلب بسیار است. ولی به فرماندهان زبده برای هدایت، آموزش، انتقال تجربه و کارشناسی به این رزمندگان احتیاج دارد و تا از من برای گسیل ۶۰ فرمانده باقی مانده در دو سه روز آینده قول نگرفته بود بیروت را ترک نکرد».

خاورشناسی^{۱۲}، یک بار دیگر

یک فرمانده قدیمی در دوران سلیمانی که من در ایران در سال ۲۰۱۸ ملاقات کرده بودم به ما، به همکار من سباستیانو کپوتو^{۱۳} و خود من قول داده بود که تلاش خواهد کرد که یک مصاحبه با سردار را تدارک ببیند، در حالی که او هرگز با رسانه های خارجی مصاحبه نمی کرد. ما هیچ دلیلی نداشتیم که در مورد مخاطب خودمان تردید کنیم، در نتیجه تا آخرین دقیقه در بغداد ما در فهرست انتظار باقی ماندیم.

در مورد ابو مهدی المهندس که در کنار سلیمانی در حمله پهبادی در بغداد کشته شد، [به یاد دارم که در گروه کوچکی بودم که یک بعد از ظهر را با او گذراندم، در نوامبر ۲۰۱۷ در یک خانه محافظت شده در داخل، و نه در خارج، منطقه سبز بغداد بود. گزارش کامل من را در اینجا جست و جو کنید^{۱۴}].

استاد دانشگاه محمد مرنی در دانشگاه تهران درباره قتل [سردار سلیمانی] به من گفت: «مهمترین موضوع این است که نگاه غربی به وضعیت خیلی خاورگرایانه (به مفهوم اریانتالیسم) است. غربی ها از این اصل حرکت می کنند که گوئی ایران ساختار واقعی نداشته و همه چیز به افراد بستگی دارد. در غرب قتل یک فرد موجب فروپاشی یک وزارتخانه، شرکت تجاری یا سازمان نمی شود. به همین علت وقتی آیت الله خمینی فوت کرد، غربی ها گفتند که انقلاب به پایان رسیده است. ولی روند قانون اساسی ظرف چند ساعت یک رهبر جدید به وجود آورد. مابقی به تاریخ تعلق دارد».

این موضوع شاید بتواند بخش مهمی از ژئوپلیتیک سلیمانی را توضیح دهد. شاید که او یک ستاره درخشان انقلابی بوده باشد، بسیاری در جهان جنوب او را به مثابه چه گوارای آسیای جنوب غربی تلقی می کنند، ولی او به ویژه یکی از چرخ های ماشینی است که با چرخ دنده های بسیاری نقطه مفصلی پیدا می کند.

¹² Orientalisme

مترجم: به طور مختصر و از سر تسامح شاید بتوانیم در باره اریانتالیسم/خاور گرایی یا شرق شناسی غربی بگوئیم که: در اینجا خاور گرایی یا خاورشناسی به مفهوم منفی به کار برده شده و حاکی از نگاه فانتاسماتیک غرب نسبت به شرق است. این اصطلاح با ادوارد سعید رایج شد و به معنای شرقی ست که غرب اختراع کرده و فانتاسماتیک بوده و با واقعیت فاصله دارد. فانتاسم غرب در عین حال جایگاه فراقهری، جلوه گاه ترس و بیم ها و احساس برتری غرب است. و شاید به قول سمیر امین (و نه تنها او) که نژاد پرستی را زائیده خصلت درون بودی انباشت سرمایه می داند، اریانتالیسم نیز به روبناهای چنین زیربنایی مرتبط می باشد به ویژه وقتی می بینیم که نخستین جلوه گاه های اوریانتالیسم به عنوان جنبش هنری در جهان ادبیات و هنر قرن هجدهم شروع شد که هم عصر و عرض دوران توسعه سرمایه داری و جهان گشائی و استعمار است – که حتماً هست (دوستانی که از این تعریف به حق رضایت خاطر ندارند، به کتاب «اریانتالیسم- شرق اختراع غرب» اثر ارژمند ادوارد سعید مراجعه کنند). نکته این که این استاد ایرانی بدرستی طمع امپراتوری برای بلعیدن جهان را در نقطه مفصلی با «اریانتالیسم» و درک فانتاسماتیک غرب از شرق قرار داده است. به این معنا که اریانتالیسم صرفاً یک اشتباه ساده در تحلیل واقعیات نیست بلکه کاملاً ایدئولوژیک و ساختاری ست.

¹³ Sebastiano Caputo

¹⁴ [ici](#)

معاون رئیس پارلمان ایران، حسین امیر عبداللهیان در شبکه خبر اعلام کرده است که سلیمانی دو سال پیش از قتلش «عادی سازی» بین اسرائیل و رژیم های سلطنتی خلیج فارس را پیشبینی کرده بود.

در عین حال، او خیلی به موضعگیری اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۲ نیز آگاه بود، که از جمله عراق، سوریه و لبنان با او هم عقیده بودند: یعنی «عادی سازی» بدون دولت فلسطینی مستقل، قابل زیست، در مرزهای ۱۹۶۷، با اورشلیم شرقی به عنوان پایتخت حتماً نمی تواند آغاز شود.

امروز همه می دانند که این آرزومندی مرده و حتماً کاملاً به خاک سپرده شده است. آنچه باقی مانده، تابلوی عادی و مصیبت بار است: قتل سلیمانی به دست امریکا، قتل دانشمند پر ارزش ایرانی محسن فخری زاده به دست اسرائیل، جنگ خدشه ناپذیر اسرائیل و نسبتاً با شدت کمتر علیه ایران که کاملاً از سوی جاده کمربندی با واشنگتن «Beltway» پشتیبانی می شود، اشغال غیر قانونی برخی مناطق شمال شرقی سوریه توسط واشنگتن برای تصاحب اندکی نفت، مسابقه دائمی برای تغییر رژیم دمشق، و ابلیس نمائی بی وقفه حزب الله.

فراسوی آتش دوزخ

تهران بروشنی مشخص کرده است که بازگشت و حداقل احترام متقابل بین ایالات متحده و ایرانی ایجاب می کند که واشنگتن مقدماً بی هیچ شرطی به برجام باز گردد، و به تحریم های غیر قانونی و یک جانبه دولت ترمپ پایان دهد. این پارامترها قابل مذاکره نیست.

نصراالله به سهم خود روز یکشنبه در یک سخنرانی در بیروت گفته است: «یکی از پی آمدهای اصلی قتل سردار سلیمانی و المهندس فراخوان هائی ست که برای اخراج نیروهای امریکائی در منطقه صادر شده است. چنین فراخوان هائی در دوران پیشا قتل وجود نداشت. شهادت فرماندهان محور مقاومت راه خروج از عراق را به یگان های امریکائی نشان داد.»

چنین نظریه ای شاید یک توهم باشد، زیرا مجتمع های صنعتی نظامی امنیتی هرگز داوطلبانه یک مرکز کلیدی پایگاه های امپراتوری را رها نخواهد کرد.

مهمترین نکته این است که وضعیت پسا سلیمانی به ارتقاء سلیمانی انجامیده است. محور مقاومت تهران، بغداد، دمشق، حزب الله به جای فروپاشی به تقویت یک دیگر ادامه خواهند داد.

در سطح داخلی و همواره زیر تحریم «فشار حداکثری»، ایران و روسیه برای تولید واکسن کووید-۱۹ همکاری می کنند، و انستیتو پاستور ایران نیز با یک شرکت کوبائی برای تولید مشترک واکسن همکاری می کنند.^{۱۵}

ایران جایگاه خود را به مثابه گره کلیدی در راه ابریشم نوین در آسیای جنوب غربی تثبیت می کند: همکاری ستراتیژیک ایران و چین^{۱۶} با وزرای امور خارجه دو کشور جواد ظریف و وانگ یی دائماً تقویت می شود، و این امر بیجینگ را به سرمایه گذاری در جغرافیای اقتصادی در پارس جنوبی تشویق می کند که بزرگترین ذخیره گاز جهان است.

ایران، روسیه و چین در باز سازی سوریه شرکت خواهند داشت، و این امر در عین حال به تدریج در طول زمان به تشکیل شبکه جدیدی در جاده ابریشم خواهد انجامید: جاده آهنین ایران، عراق، سوریه، مدیترانه شرقی.

¹⁵ [coproduira un vaccin](#)

¹⁶ [partenariat stratégique Iran-Chine](#)

همه این جریان ها روندی دائمی و به هم پیوسته را تشکیل می دهد که هیچ آتش دوزخی نمی تواند آن را دچار حریق کند.

Pepe Escobar

Article original en anglais :



The Raging 2020s. Soleimani Geopolitics, One Year On

asiatimes.com

لینک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/geopolitique-soleimani-un-an-apres/5652531>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/پاریس/۱۲ جنوری ۲۰۲۱

یادداشت:

این که نویسنده از قول افرادی نامشخص ادعا دارد که گویا برخی ها وی را "چه گوارای آسیای جنوب غربی" می دانند، بیانگر آن است که چنان افرادی نه از "چه" شناخت کامل دارند و نه هم از "سلیمانی". زیرا در حالی که "چه" کمونیست شجاع و انترناسیونالیست از خودگذری بود که به علاوه مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، به منظور رفاه و بهبودی وضع زندگی مردم و نجات آنها از زنجیر های اسارتبار سرمایه داری و امپریالیسم می رزمید، "سلیمانی" به مثابه یک پاسدار ارتجاع سیاه مذهبی دستانش به خون خلق ایران رنگین بوده، در هرگامی که بر می داشت، هدفش تقویت و بقای رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و حتا ضد انسانی "ولایت فقیه" در ایران بود.

اداره پورتال AA-AA